روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

جام جم

شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ | ۱۱ شعبان ۱۴۴۷
۱۶ صفحه روزنامه
سال بیست‌وششم | شماره ۷۲۵۳
Saturday | 31 January | 2026

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۴ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
شاپا: ISSN1735-3637

پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

فاطمه مرادی
گروه بین‌الملل

دور تازه سیاست‌های استعماری آمریکا
با صدور فرمان وضعیت اضطرار ملی علیه هاوانا آغاز شد

کمین دیکتاتور برای کوبا



صدور دستور «وضعیت اضطراری ملی» از سوی دونالد ترامپ علیه کوبا حلقه‌ای تازه از زنجیره سیاست‌های استعماری ایالات متحده در آمریکای لاتین به شمار می‌رود؛ سیاستی که پیشتر در ونزوئلا آزموده شد و اکنون باشدتی تازه علیه کوبا به کار گرفته می‌شود. واشنگتن پس از سال‌ها فشار سیاسی، اقتصادی و امنیتی علیه دولت قانونی ونزوئلا و در نهایت ربایش رئیس جمهور قانونی این کشور نیکلاس مادورو برخلاف تمام قوانین حقوق بین‌الملل، اکنون کوبا را به‌عنوان دومین هدف اصلی خود در منطقه برگزیده است. تجربه ونزوئلا نشان داد که برای آمریکا، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، حاکمیت ملی و اراده ملت‌ها تنها تا جایی اعتبار دارد که مانعی برای دسترسی به منابع انرژی و مهار رقبای راهبردی، به‌ویژه چین، ایجاد نکند. این فرمان که در روزهای پایانی ژانویه صادر شد، نه‌تنها ادامه سیاست‌های خصمانه واشنگتن علیه هاوانا به شمار می‌رود بلکه نشانه‌ای آشکار از بازگشت منطق استعمار اقتصادی در قالبی جدید است؛ منطقی که به جای لشکرکشی نظامی، از ابزار تعرفه، تحریم و تهدید مالی برای وادار کردن دولت‌ها به تبعیت سیاسی استفاده می‌کند. ترامپ در توجیه این اقدام، کوبا را تهدیدی «غیرمعمول و فوق‌العاده» برای امنیت ملی آمریکا معرفی کرده و بر همین اساس، اختیار اعمال تعرفه و فشار اقتصادی علیه کشورهایی را که به کوبا نفت، انرژی یا کالا صادر می‌کنند، به نهادهای اجرایی ایالات متحده سپرده است. چنین تعریفی از امنیت ملی، که مرزهای آن تا هزاران کیلومتر خارج از خاک آمریکا امتداد می‌یابد، در عمل به ابزاری برای مداخله مستقیم در روابط اقتصادی و سیاسی دیگر کشورها تبدیل شده و مفهوم حاکمیت ملی را به چالش کشیده است. اکنون، کوبا در شرایطی مشابه با ونزوئلا اما با مختصات خاص خود، در کانون این راهبرد قرار گرفته است. فرمان ترامپ برای اعمال تعرفه و مجازات اقتصادی علیه هر کشوری که با هاوانا همکاری کند، نشان می‌دهد که آمریکا بار دیگر تصمیم گرفته است آمریکای لاتین را به‌مثابه حوزه نفوذ انحصاری خود تعریف کند؛ حوزه‌ای که هرگونه حضور یا همکاری قدرت‌های رقیب در آن، تهدیدی علیه «امنیت ملی» آمریکا تلقی می‌شود.

حقوق بین‌الملل زیر سایه استعمار اقتصادی

اعلام وضعیت اضطراری ملی علیه کوبا، از منظر حقوقی و بین‌المللی نیز پیامدهای عمیقی به همراه دارد. استفاده از سازوکارهای اضطراری داخلی آمریکا برای اعمال فشار اقتصادی بر کشورهای ثالث، عملا به معنای تعمیم قوانین داخلی واشنگتن به نظام بین‌الملل است؛ رویکردی که با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و قواعد تجارت آزاد در تضاد قرار دارد. آمریکا در این چارچوب، نه‌تنها کوبا بلکه هر کشوری را که حاضر به همکاری اقتصادی با هاوانا باشد، هدف مجازات اقتصادی قرار می‌دهد؛ سیاستی که یادآور دوران اوج مداخلات استعماری در آمریکای لاتین است. در واقع، واشنگتن با این فرمان، به‌طور ضمنی این پیام را ارسال می‌کند که حق انتخاب شریک اقتصادی و مسیر توسعه، برای کشورهایی که خارج از مدار سیاست‌های آمریکا حرکت می‌کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شود. این همان منطق سلطه‌گرایانه‌ای است که دهه‌هاست در سیاست خارجی آمریکا نسبت به آمریکای لاتین مشاهده می‌شود؛ منطقی که در آن، استقلال سیاسی دولت‌ها تنها تا جایی قابل تحمل است که با منافع راهبردی واشنگتن تعارض نداشته باشد. دولت کوبا این اقدام را تجاوزی آشکار به حاکمیت ملی خود و تلاشی برای تحمیل اراده سیاسی آمریکا از مسیر فشار اقتصادی توصیف کرده است. مقامات هاوانا تأکید دارند که فرمان ترامپ، بیش از آنکه یک اقدام امنیتی باشد، نوعی جنگ اقتصادی تمام‌عیار علیه مردم کوباست؛ جنگی که هدف آن ایجاد نارضایتی اجتماعی و بی‌ثباتی داخلی است. این موضع‌گیری، بازتاب‌دهنده درکی عمیق از ماهیت سیاست‌های آمریکا در منطقه است؛ سیاست‌هایی که همواره فشار بر مردم را به‌عنوان ابزاری برای تغییر دولت‌ها به کار گرفته‌اند.

کوبا در تقاطع مهار چین و روسیه

اقدامات ضدکوبایی ترامپ را باید در پرتو سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۲۶ نیز بررسی کرد؛ سندی که چارچوب کلی سیاست خارجی و امنیتی واشنگتن را در سال‌های پیش‌رو ترسیم می‌کند. در این سند، رقابت با قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه چین، به‌عنوان اولویت اصلی امنیت ملی آمریکا معرفی شده و مهار نفوذ این کشور در مناطق مختلف جهان، از جمله آمریکای لاتین، در کانون توجه قرار گرفته است. روسیه نیز، هرچند در مرتبه‌ای متفاوت، همچنان به‌عنوان چالشی راهبردی برای نظم مورد نظر واشنگتن تلقی می‌شود. در چنین چارچوبی، کوبا دیگر صرفا یک کشور کوچک کارائیبی نیست بلکه به نمادی از مقاومت در برابر نظم تک‌قطبی و به سکویی بالقوه برای حضور رقبای آمریکا تبدیل شده است. فشار بر کوبا، در واقع بخشی از تلاش گسترده‌تر واشنگتن برای ارسال این پیام به چین و روسیه است که نفوذ آنها در نیمکره غربی با واکنش سخت آمریکا مواجه خواهد شد. از این منظر، فرمان وضعیت اضطراری ترامپ نه‌تنها علیه هاوانا، بلکه به‌طور غیرمستقیم علیه پکن و مسکو صادر شده است.

واکنش‌های روسیه و چین به این اقدام نیز دقیقا در همین چارچوب قابل فهم است. هر دو کشور، سیاست‌های آمریکا را مداخله‌جویانه و ناقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دانسته و بر حمایت خود از حاکمیت ملی کوبا تأکید کرده‌اند. این مواضع، صرفا دفاع از یک متحد نیست بلکه بخشی از تقابل گسترده‌تر با راهبردی است که آمریکا در سند امنیت ملی ۲۰۲۶ ترسیم کرده است؛ راهبردی که جهان را به حوزه‌های نفوذ تقسیم می‌کند و برای خود حق تعیین تکلیف در مناطق مختلف قائل است. از سوی دیگر، سیاست‌های ترامپ علیه کوبا نشان می‌دهد که آمریکا همچنان از ابزار تحریم و فشار اقتصادی به‌عنوان جایگزین دیپلماسی استفاده می‌کند. این رویکرد، نه‌تنها بحران‌های اقتصادی و انسانی را در کشورهای هدف تشدید می‌کند بلکه به فرسایش مشروعیت آمریکا در نظام بین‌الملل نیز می‌انجامد. استفاده مکرر از مفاهیمی چون «وضعیت اضطراری» و «تهدید امنیت ملی» برای توجیه اقدامات اقتصادی، به‌تدریج این مفاهیم را تهی از معنا کرده و آنها را به ابزارهایی سیاسی بدل می‌سازد. در نهایت، کوبا امروز در نقطه تلاقی سه روند مهم قرار گرفته است: تداوم سیاست‌های استعماری آمریکا در آمریکای لاتین، اجرای دکترین جدید دفاع ملی که نیمکره غربی را حیاط خلوت واشنگتن می‌داند و تشدید رقابت جهانی آمریکا با چین و روسیه در چارچوب سند امنیت ملی ۲۰۲۶. آنچه در ظاهر به‌عنوان یک فرمان اجرایی علیه کوبا مطرح می‌شود، در واقع بازتابی از بحرانی عمیق‌تر در نظم جهانی است؛ بحرانی که در آن، آمریکا برای حفظ برتری خود، بیش از پیش به ابزار فشار و تهدید متوسل می‌شود. تجربه ونزوئلا و اکنون کوبا نشان می‌دهد که این راهبرد، نه‌تنها به ثبات و امنیت منطقه‌ای منجر نشده، بلکه شکاف‌ها را عمیق‌تر و مقاومت در برابر هژمونی آمریکا را تقویت کرده است. کوبا، همانند ونزوئلا، به نمادی از این مقاومت تبدیل شده و واکنش قدرت‌های جهانی به سیاست‌های ترامپ نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری یکجانبه برای سرنوشت ملت‌ها، بیش از هر زمان دیگری با چالش مواجه است.

یادداشت

حسین قرایی | پژوهشگر و مدیرکل روابط عمومی صداوسیما

«ایران‌جان»؛ هم‌آوایی رسانه ملی با تپش زندگی در هرمزگان

رویداد «ایران‌جان» در هرمزگان، تجلی تلاشی تازه برای بازخوانی ایران از دریچه‌ای ساحلی، گرم، رنگین و زنده است؛ دریچه‌ای که بندرعباس، جزایر خلیج‌فارس و سواحل بی‌بدیل جنوب، قاب آن را شکل می‌دهند. آنچه این رویداد را متمایز می‌کند، در کنار تنوع برنامه‌ها و حضور هنرمندان و فعالان فرهنگی در هرمزگان، ابتکارِ رسانه‌ملی در همنشینی هوشمندانه «ظرفیت‌های محلی» و «ویترین ملی» است؛ همنشینی‌ای که اگر استمرار یابد، می‌تواند به الگویی برای توسعه متوازن فرهنگی در سراسر کشور بدل شود.

هرمزگان نیز مانند بسیاری پهنه‌های ایران عزیز، جغرافیایی جذاب و نماد فرصت اما معمولا مغفول در قاب روایت است. خطه‌ای که سال‌هاست در متن زندگی ایرانیان حضور دارد؛ اما غالبا در حاشیه روایت‌ها نشسته است. استانی که نامش با خلیج‌فارس، تنگه هرمز، بندرهای پرتکاپو، تجارت دریایی و صیادی گره خورده و در لایه‌های زیرین خود، گنجینه‌ای عظیم از فرهنگ، هنر، آیین، موسیقی، تنوع خوراک، صنایع‌دستی، معماری بومی و زیست‌جهان انسانی دارد که کمتر آن‌گونه که شایسته است، در «نمایش ملی» بازتاب یافته.

رویداد ایران‌جان با تمرکز بر هرمزگان، در واقع یک جابه‌جایی زاویه دید را پیشنهاد می‌کند: به‌جای نگاه از مرکز به حاشیه، این‌بار ایران از ساحل روایت می‌شود. از دل کوچه‌های قدیمی بندرعباس، از رنگ‌های خیره‌کننده جزیره هرمز، از شور زندگی در قشم، از صدای نی‌انبان و دهل، از سفره‌های ساده اما پرمعنای جنوبی و از چهره‌های آفتاب‌خورده مردمانی که سال‌ها بارِ تولید، تجارت، امنیت دریایی و گردشگری را بردوش کشیده‌اند.

اهمیت ایران‌جان در آن است که رسانه‌ملی را از نقش منفعل «بازتاب‌دهنده» به نقش فعال «هم‌آفرین» ارتقا می‌دهد. در این رویداد، رسانه به پوشش یک جشن یا برنامه اکتفا نمی‌کند بلکه خود به عامل هم‌افزایی بدل می‌شود: از سویی، با گردهم‌آوردن هنرمندان محلی، پژوهشگران، فعالان اجتماعی، جوانان خلاق، کارآفرینان و مسئولان، رسانه‌ملی می‌تواند بستر گفت‌وگویی نو درباره «هویت جنوب» فراهم آورد؛ هویتی که هم ایرانی است، هم اسلامی، هم دریایی و هم جهانی. پرداخت دقیق به آیین‌ها، موسیقی‌ها، پوشش‌ها و روایت‌های بومی، از فرورفتن آنها در حاشیه فراموشی جلوگیری می‌کند و به آنها شأنی ملی می‌بخشد.

از دیگر سو، هر قابِ تلویزیونی و هر روایت رسانه‌ای، می‌تواند به دعوتنامه‌ای برای سفر بدل شود. معرفی هدفمند جاذبه‌های طبیعی قشم، هرمز، هنگام، لارک، سواحل مکران، بافت تاریخی بندرعباس، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و مسیرهای کمتر شناخته‌شده، زمینه‌سازی برای رونق گردشگری مسئولانه است؛ گردشگری‌ای که به اقتصاد محلی جان می‌بخشد اما روح و اصالت فرهنگ بومی را قربانی سودا گری نمی‌کند.

هرمزگان فقط مقصد گردشگری هم نیست؛ بندرکار، بندر تولید و تجارت است. معرفی صنایع دریایی، شیلات، کشتی‌سازی، صنایع کوچک و متوسط، محصولات بومی و صنایع‌دستی در قالب روایت‌های جذاب رسانه‌ای، می‌تواند پل ارتباطی میان تولیدکننده محلی و بازار ملی و حتی منطقه‌ای شود. رسانه‌ملی به این ترتیب، به بازوی توسعه تبدیل می‌شود؛ بازویی که سرمایه اجتماعی را تقویت و اعتماد عمومی را به آینده این خطه مستحکم می‌کند. یکی از نقاط قوت رویکردی که در ایران‌جان می‌توان دید، عبور از نگاه مناسکی و مقطعی به استان‌هاست. اگر این رویداد در ساختار برنامه‌سازی رسانه‌ملی نهادینه شود، می‌تواند زمینه‌ساز تحولی عمیق در نسبت مرکز و استان‌ها باشد: از «گزارش‌های کوتاه و پراکنده» به «روایت‌های عمیق و پیوسته»؛ از «حضور نمادین» استان‌ها در چند قاب مناسبتی به «حضور مؤثر» آنها در سبد دائمی برنامه‌ها؛ از «نگاه از بالا به پایین» به «همنشینی برابر و گفت‌وگویی» میان تهران و بندرعباس، تبریز و زاهدان، مشهد و اهواز و.... در این چارچوب و در ادامه برگزاری این رویداد، هرمزگان می‌تواند به الگوی موفق دیگری برای سایر استان‌ها تبدیل شود؛ الگویی که نشان می‌دهد اگر رسانه‌ملی با احترام به تفاوت‌های فرهنگی و اعتماد به توان محلی وارد میدان شود، استان‌ها نه‌فقط مخاطب و موضوع برنامه بلکه شریک در تولید معنا و محتوا خواهند بود.

ایران‌جان در هرمزگان، فرصتی است برای این‌که ایران از جنوب نفس بکشد؛ از هوای گرم و مرطوب بندر، از نمک دریا، از رنگ‌های مسحورکننده خاک هرمز، از صدای امواجی که سده‌ها شاهد رفت‌وآمد کشتی‌ها، داستان‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده‌اند. رسانه‌ملی مصمم است این فرصت را با نگاهی بلندمدت، با احترام به اصالت‌های بومی و با اراده‌ای جدی برای هم‌افزایی با ظرفیت‌های محلی دنبال و نقشی فراتر از یک «رسانه» ایفا کند.

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

شیطان سربازانش را به صف می‌کند

گشتی در بیانیه‌هایی که درست هماهنگ با عملیات واشنگتن و تل‌آویو نمایش فیک شبه انقلاب را پیش می‌برد، خود صحنه افشای کمدی شیطانی کنونی است که البته در دلش تراژدی تلخی شعله‌ور است. قصدم مروری بر دروغ‌واری و پوچی سیاهکارانه و فریب‌آلودی است که در لفاظی‌های ترامپ، نتانیاهو و روبیو تا بیانیه‌ها و گفتارهای میرحسین موسوی، کدیور و سینماگران و کانون نویسندگان غرب‌پرست و پادوهای بی‌بی‌سی و اسرائیل اینترنشنال و من و تو موج می‌زند.

پیش درآمد صحنه فجیع افشای بردگی، سرسپردگی و سقوط آزادی سربازان ابلیس و خیانت و همدستی با خبیث‌ترین چهره‌های بشریت بگویم. خداوند، همه چرک و عفن خوناشامی و دروغ، رذالت، جنایت و خیانت را در ترامپ و نتانیاهو جمع کرد و آنان را رهبران و تابلوی دشمنان انقلاب اسلامی و ایران قرار داد تا حجت بر پیروان داخلی آنان تمام و نقاب مردم‌دوستی، ایران‌دوستی و آزادی‌دوستی دروغین‌شان دریده شود. اینان فعلا بالفعل سربازان تکه‌پاره کردن ایران هستند و کلمات تزویر و فریب آنان را نه نزد خدا و نه در پیشگاه تاریخ نجات نخواهد داد و رسوایی ملعنت بار همدستی بیشرمانه این سربازان شیطان با بازی و وانموده‌های ابلیسی قطعی است. حقیقت آن است که در سپاه ایران توحید، شرافت و عدالت جهانی، از یکسو لشکر ضد انسان، تباهی و خیانت به ایران و کرامت انسانی لشکر کفر، فساد، جهل و ظلمات دنیایی، روبه‌روی هم در آماده‌باش هستند. همه می‌دانند، فرمانده لشکر کفر ابلیس و شیطان بزرگ و سرمایه‌سالاری جهانی یهود است که اکنون فرماندهی آن به‌دست ترامپ و نتانیاهو افتاده و به هزار بهانه می‌خواهد ایران را تضعیف و زمینگیر و تکه پاره کند. و هربار تا ایران مجالی برای استقلال و آزادی از قید سلطه غارتگران و امکانی برای رشد می‌یابد همچون فرصت انقلاب مشروطه و نهضت جنگل و نهضت ملی کردن نفت و حالا انقلاب اسلامی همین سناریوی ویران کردن ایران و به‌زانو در آوردن ایران به‌دست خائنان به ایران باز به اجرا در می‌آید. ایران نباید قوی شود! لکن این بار کور خوانده‌اند.

اکنون فرمانده، از زمره آن رهبران ناتمام نیست. رهبر لشکر توحید، امام زمان عج است که در عصر انتظار قرعه فال بنیانگذاری انقلاب اسلامی به نام امام خمینی (ره) و فرماندهی تمام کردن ساختمان ایران مستقل و آزاد از قید فرعون زمانه، به نام امام خامنه‌ای دامت برکاته زده شده است و در این نبرد فرمانده اوست و این نبرد ماهیت عاشورایی دارد و در هر حال انقلاب اسلامی در حافظه هستی، همچون پیروزی انکارناپذیر رستاخیز کرامت و روح الهی انسان علیه شیطان، ثبت شده است نه آن‌که خواهد شد. این عاشورا خیبر در دل دارد!

قبل از پرداختن به رسوایی بیانیه‌ها بگویم شیطان همه گروهان، گردان و هنگ لشکرش را وارد کارزار کرده است. ابتدا مدت‌ها الیگارش‌ها، آقازاده‌ها و سارقان ثروت‌های دزدیده شده بیت‌المال و تبدیل به سرمایه موروثی شده، صاحبان غرب‌پرست قدرت سیاسی و سرمایه‌های دلالی و بانکی و ارزهای به غارت رفته، طراحان اقتصاد پیرامونی و انگلی و ضد تولید و کابینه‌های گوش به‌فرمان صندوق بین‌المللی پول، روسای جمهور امضا کننده بازی بین ارز ترجیحی و یکسان‌سازی و گرانی کنترل نشده‌ای که آخرین قدرت خرید مایحتاج را از حقوق ۵۰-۶۰ میلیون ایرانی و خصوصا فقرا، کارگران و کارمندان و کشاورزان فرودست دزدیدند و جای آن هزاران هزار میلیارد معافیت مالیاتی تقدیم بانک‌ها با یک درصد مالیات کردند!!! و.... کارشان را کردند.

این سربازان آمریکا که مردم را به تنگ آوردند و به اعتراض کشاندند و ضربه بزرگ به عدالت جمهوری اسلامی وارد آوردند و تزلزل در اعتماد و نیروی اجتماعی ایجاد کردند، نوبت کمک به کشته‌سازی و تحریک روسای غرب‌پرستان شد و سیا و موساد که سازماندهی خود را به پایان رساندند، جنگ مستقیم نظامی اسرائیل و آمریکا جنگ ۱۲ روزه و کشته‌سازی شروع شد و در ادامه روز سیزدهمین جنگ که یک روز آن هفت ماه طول کشید، سران لشکر کفر و ظلم به یاری ترامپ و نتانیاهو، این نفرت‌بارترین چهره‌ها در فرماندهان اصلی زمینگیر کردن ایران و دو خبیث بزرگ میدانی سرمایه‌سالاری جهانی آمدند، از بازیگران سینمای شیطانی هالیوود این عروسکان خیمه شب بازی کمپانی‌های صهیونیستی تا واداشتن راجرواترز به غلط کردن از دفاعش از حق مثل ترور بیوشیمیایی زاهدی و داریوش همایون پس از بازگشت از بردگی اسرائیل و دفاع از بقای جمهوری اسلامی و افشای نقشه تکه پاره کردن ایران.

یعنی همان طرحی که رضا پهلوی مفلوک و لشکر بازیگران طاغوت، سینماگران، ورزشکاران و روشنفکران شیطان‌پرست و بی‌آبرو تسلیم و همدست آن شدند و یاری شیطان گسترش گرفت فراتر از هنگ مزدوران خارجه‌نشین رسانه‌ای مثل بی‌بی‌سی و اسرائیل اینترنشنال، من‌وتو و ، لکه سیاه نفتی تا گروهان «فیلسوفان» و «روحانیون» و «سیاست‌بازان» و «هنرمندان» کشید که زیر سایه شیطان به ایفای نقش مشغول هستند و هنگ داخلی گروه نویسندگان، گروه سینماگران، گردان احزاب، رسانه‌های استکبارگراو... را در برگرفت.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید.

متن کامل

یادداشت

سیناواحد | منتقد و نویسنده

فارسی‌کشی در هند و انگلیس قاتل

اگر، یک ایرانی وطن‌پرست؛ برای یک گردش (۱۰ روزه)، به کشور «انگلیس مسافرت کند و پس از ورود؛ به خیابان‌های تروتمیز و آسفالت شده، بنگرد و بگوید: لعنت خدا و تاریخ بر این امپراتوری دزد و پنجه خونین، حرف گزاف و خیال بافانه، نگفته است! برای این‌که سال‌ها قبل از انقلاب ۵۷، نویسنده پرکاری به نام «علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی» در یکی از مقالاتش، چنین نوشته: ... اگر شما، مشاهده می‌کنید، در کشور انگلیس همه‌جا، آسفالت شده و دیگر در شهرها، جاده خاکی مشاهده نمی‌شود، برای این است که: نفت ایران را می‌دزدند و با این غارتگری متداوم، شهرهای خویش را آباد می‌کنند... با کمترین هزینه!! و با نفت دزدی شده... با این «نفت‌دزدی»، آشکارترین، صنعت و شغل تاریخی امپراتوری انگلیس، همین «دزدی نفت» است که از کشف «نفت» و شکل‌گیری صنعت نفت و تجارت و بازرگانی بین‌المللی آن، آغاز شده است و به صورت پیچیده امروزی درآمده است. این تمدن «پنجه خونین» و «ویرانگر»، یک صفت و یک خصوصیت برجسته دیگر هم دارد که کمتر به آن توجه می‌گردد؛ و اگر هم توجه شود به خسارت‌ها و ویرانگری‌های «عاطفی» که در حوزه نفوذ و قدرت هر زبان ملی، شکل می‌گیرد، هرگز نگاه نمی‌شود. به هر حال، این «امپراتوری دزد یا دزدان»، پس از اشغال سرزمین هندوستان قدیم که بسیار وسیع‌تر از هندوستان امروزین بود متوجه این حقیقت شد، که در این سرزمین عجیب، آن ارزشی که، در راس همه «ارزش‌ها» قرار دارد و به عنوان یک سپر نامرئی برای همه مواریث معنوی و انسان‌گرایانه و پیوندآفرین جغرافیایی و سرزمینی؛ «حیات‌آفرینی» یا «تحرک‌آفرینی» می‌کند؛ زبان و ادبیات و قدرت بی‌انتهای واژگان «زبان فارسی» است. به همین خاطر، پس از تمامیت سلطه اقتصادی و نظامی و قدرت کشتن یا به کیفر رساندن مبارزین مسلمان هند، استراتژی «بیرون راندن» زبان و ادبیات فارسی از تمدن و همه نهادهای تمدن‌آفرین جامعه هندی را، در راس سیاست‌های استعماری خویش قرار داد و با خشونت و سبعیت حکومتی تلاش کرد تا «زبان اقتدار فارسی» را، به هر شکل که شده از «زنده بودن» و «نفس کشیدن»، در روابط تاریخی اقوام، ادیان و نژادها در جامعه بزرگ هندی، دور و آن را به «زبانی مرده» و «بی‌نفس» و «بی‌حیات» تبدیل کند.

متن کامل

تجدید آگهی مناقصه عمومی

نیروی پدافند هوایی آجا

فرماندهی آماد و پشتیبانی نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
در نظر دارد نیاز مندرج در جدول ذیل را طبق اسناد تجدید مناقصه خریداری نماید.

شرکت‌کنندگان در تجدید مناقصه می‌توانند از وجه نقد واریزی به شماره حساب اعلام شده در برگ شرایط چک تضمینی و با ضمانتنامه بانکی جهت سپرده شرکت در تجدید مناقصه استفاده نمایند. لذا از کلیه داوطلبان واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید با در دست داشتن معرفی‌نامه رسمی برای دریافت اسناد تجدید مناقصه طبق تاریخ اعلام شده از ساعت ۸ الی ۱۲ به نشانی تهران، اتوبان بسیج، سه راه تختی، بلوار هجرت، فرماندهی نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مراجعه و پیشنهاد خود را تسلیم نمایند.

شماره تجدید مناقصه	موضوع	تاریخ دریافت اسناد تجدید مناقصه	
		از تاریخ	تا تاریخ
۰۴۱۲	قند	۱۴۰۴/۱۱/۱۱	۱۴۰۴/۱۱/۱۲

- این فرماندهی در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار می‌باشد.
- ارائه مدارک و سایر اطلاعات لازم در ارزیابی توانمندی متقاضی مؤثر خواهد بود.
- هزینه چاپ آگهی بر عهده برندگان تجدید مناقصه می‌باشد.
- در صورت دو مرحله‌ای شدن تجدید مناقصه هزینه‌های بازدید بر عهده شرکت‌کنندگان می‌باشد.
- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و هماهنگی لازم در ساعات اداری با شماره تلفن ۳۳۲۴۰۲۳۶ ، ۳۳۲۴۰۲۷۹ آقای محمدی ۰۹۱۹۶۹۸۶۹۳۴ تماس حاصل نمایند.

فرماندهی آماد و پشتیبانی نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

شرکت آنتی بیوتیک سازی ایران

آگهی مزایده عمومی

دستگاه مزایده‌گزار	شرکت آنتی بیوتیک‌سازی ایران نشانی: ساری، میدان خزر، کیلومتر ۵ جاده دریا، جنب تالار سوگلی، داخل کوچه شرکت آنتی بیوتیک‌سازی ایران
موضوع مزایده	فروش یکدستگاه خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۸
مهلت و محل دریافت اسناد	۷ روز از درج آگهی روزنامه واحد بازرگانی شرکت آنتی بیوتیک‌سازی ایران و یا آدرس سایت رسمی شرکت www.asico.org
تحویل پیشنهادات و بازگشایی اسناد	تحویل تا مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۴ بازگشایی اسناد: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ دبیرخانه حراست شرکت آنتی بیوتیک‌سازی ایران واقع در شهر ساری
توضیحات	➢ شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. ➢ هزینه آگهی روزنامه با برنده مزایده می‌باشد. ➢ اطلاعات تکمیلی شامل شرایط فروش در اسناد مزایده موجود می‌باشد. ➢ جهت اطلاعات بیشتر با شماره ۶-۰۱۱۳۳۵۶۰۳۵۰ داخلی ۲۲۰-۳۱۰ تماس بگیرید

هتل پارسیان سوئیت Suite
PARSIAN HOTEL

آگهی مزایده عمومی نوبت اول
کافی شاپ سی و سه پل و اقلام ضایعاتی

هتل پارسیان سوئیت وابسته به شرکت هتل‌های بین‌المللی پارسیان به استناد به مجوز صادره از کمیسیون معاملات به شماره ۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸
جهت مزایده کافی شاپ سی و سه پل، اقلام ضایعاتی در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده به شرح جدول ذیل
به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط اقدام نماید.

ردیف	شرح	مبلغ سپرده (ریال)	مدت قرارداد	قیمت پایه کارشناسی (ریال)
۱	کافی‌شاپ سی‌وسه پل	۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۲سال	۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰
۲	اقلام ضایعاتی	۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	-	۱،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰

از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید جهت اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ ساعات اداری ۹ الی ۱۵ (به استثنای ایام تعطیل) به آدرس زیر مراجعه فرمایند:
آدرس بازدید: اصفهان، ابتدای بلوار آیینه‌خانه، مقابل سی و سه پل، هتل پارسیان سوئیت اصفهان، امور اداری، تلفن: ۱۵- ۳۶۶۷۴۳۱۱-۰۳۱
آخرین مهلت تحویل اسناد: تا ساعت ۱۵ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ می‌باشد.
محل جمع‌آوری و تحویل پاکات متقاضیان: امور اداری هتل پارسیان سوئیت اصفهان
تاریخ بازگشایی پاکات متقاضیان: در ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ در هتل پارسیان کوثر اصفهان می‌باشد.
هزینه دریافت اسناد مبلغ ۵.۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد که می‌بایست به شماره حساب ۱-۱۳۳۹۴۷۲-۸۱۶-۱۳۱ نزد بانک سینا شعبه چهارباغ بالا به نام هتل پارسیان سوئیت اصفهان واریز و رسید را ارائه نمایند.
متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.pih.ir مراجعه فرمایند.

هتل پارسیان سوئیت اصفهان